

جرائم سایبری علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در حقوق کیفری ایران

علی اصغر میرعربی^۱

چکیده

یکی از پدیده‌های متفاوت و شگفت‌انگیز قرن بیست و یک، ظهور فضای سایبری است که پیامدهای مخرب سوءاستفاده‌های از آن، قانون‌گذاران کیفری را به جرم‌انگاری برخی رفتارها در این فضا واداشته است. یکی از اهداف این نوع جرائم را می‌توان خانواده دانست که به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه همواره از حمایت‌های قانون برخوردار بوده است، اما جرائم علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در فضای رسانه‌ای سایبری که از مباحث مهم و مبتلا به در جامعه امروز است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو در پژوهش حاضر با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به بررسی و شناخت جرائم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده و کیان آن پرداخته‌ایم. نتایج تحقیق حاکی از این است که حقوق کیفری ایران رفتارهایی همچون هرزه‌نگاری، نشر اکاذیب رایانه‌ای و افشای اسرار خانوادگی را جرم‌انگاری کرده است. اما از آنجایی که به نهاد خانواده به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل نمی‌نگرد، پاسخ‌های کیفری پیش‌بینی‌شده صرفاً در راستای حمایت از اشخاص بوده و این تدابیر کیفری با توجه به پیامدهای زیان‌بار این جرائم علیه نهاد خانواده از تکافوی لازم برخوردار نیست.

واژه‌های کلیدی

خانواده، جرائم سایبری، حیثیت معنوی، حقوق کیفری ایران.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
Ali.mirarabi1377@gmail.com

مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های نوین و ورود آنها به زندگی بشر، دریچه‌ای جدید به روی انسان معاصر گشوده و منجر به شتاب فرایند تکامل فکری وی شده است. این پدیده نوظهور منجر به تغییر در برخی از مظاهر ارتباط انسان با دنیای پیرامونش شده است و انجام بسیاری از امور را برای او تسهیل کرده و به‌جزئی از زندگی انسان‌ها تبدیل شده است. به موازات افزایش وابستگی بشر به فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، امکان سوءاستفاده بزهکاران از این ابزارها نیز بیشتر شده و عرصه‌ای نوین را برای آن‌ها به‌وجود آورده و قانون‌گذاران کیفری را به جرم‌انگاری برخی رفتارها در این فضا واداشته است (فرهادی‌آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷).

این‌گونه جرایم در فضای سایبری در حوزه‌های مختلف اجتماعی صورت می‌گیرد که موجب بروز آسیب‌ها و خسارت‌های متعددی می‌گردد که نهاد خانواده هم یکی از اهداف این‌گونه جرایم می‌باشد. از مهمترین آسیب‌های وارد بر خانواده از بین بردن مبانی و اصول اخلاقی و نظام اجتماعی بوده که خسارت‌های زیادی به نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه وارد می‌آورد. این دسته از جرایم به‌نوعی علیه حیثیت معنوی و کیان خانواده در فضای سایبری صورت می‌گیرد و عموماً علیه عفت و اخلاق عمومی با جرایم هتک ناموس بوده که مخالف اخلاق حسنه و اخلاق عمومی شناخته شده‌اند (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). مهمترین ویژگی جرایم علیه خانواده در فضای سایبری این است که علیه حیثیت و سلامت خانواده است. ازجمله جرایم این مجموعه می‌توان به هرزه‌نگاری، نشر اکاذیب و افشای اسرار خانوادگی اشاره نمود که این اقدامات با توجه به چالش‌های فضای سایبری مانند گستره و سرعت انتشار در آن، حیثیت معنوی خانواده را گاهی بیش از جرایم در فضای حقیقی دچار خدشه می‌کند و نتایج به‌شدت زیان‌باری همچون فروپاشی خانواده و بعضاً قتل‌های ناموسی^۱ را به‌دنبال خود دارد.

۱. فیلم سینمایی «شنای پروانه» این مسئله در سطح جامعه را به تصویر کشیده است. در این فیلم سینمایی، فیلمی از پروانه که داخل استخر زنانه است توسط شخصی ضبط و توسط دیگری منتشر می‌شود و

خانواده یکی از حوزه‌هایی است که در بسیاری از کشورها مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است. نقش مهمی که خانواده در سعادت فرد و اجتماع ایفا می‌کند، باعث شده تا چاره‌اندیشی درباره نفوذ آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی به این نهاد بنیادین ضرورت پیدا کند. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و درعین‌حال هسته اصلی جامعه، کانون مقدسی است که بر عالی‌ترین عواطف بنا شده است. این نهاد اجتماعی مانند سایر بخش‌های جامعه همواره با تهدیدهایی مواجه بوده است. ازاین‌رو، قرار گرفتن در سایه حمایت‌های شایسته و سنجیده قانونی، ضرورتی غیرقابل انکار است. نقش بسیار مهمی که این نهاد در روابط اجتماعی اشخاص، تعلیم و تربیت فرزندان و پیشرفت و آبادانی کشور ایفا می‌کند، موجب شده تا نظام‌های حقوقی با وضع مقررات و پیش‌بینی ضمانت اجرای مدنی و کیفری به حمایت از خانواده و ارزش‌های آن بپردازند. نهاد خانواده در ایران هم همواره از حمایت قانون‌گذار برخوردار بوده است، علاوه بر مواد قانونی که در قوانین متعدد به حمایت از کیان خانواده پرداخته‌اند، قوانین خاصی همچون قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ در این‌راستا وضع شده‌اند، اما در مورد جرایم سایبری که علیه حیثیت معنوی خانواده ارتکاب می‌یابد حقوق کیفری ایران وضعیت روشنی ندارد.

پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه صورت گرفته‌اند صرفاً در مورد جرایم رایانه‌ای بوده و به ارتکاب این جرایم علیه حقوق خانواده و حیثیت معنوی آن نپرداخته‌اند. ازاین‌رو در پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این سؤال‌ها هستیم که آیا پاسخ‌های کیفری موجود تا چه میزان با نتایج این‌گونه جرایم علیه نهاد خانواده تناسب دارد؟ و جایگاه خانواده را چگونه می‌توان در تدوین قوانین کیفری و در رویه قضائی در برخورد با این‌گونه رفتارها در نظر گرفت؟ ازاین‌رو در پی پاسخ به این سؤال‌ها ابتدا به گونه‌شناسی پاسخ‌های موجود در قوانین جرایم رایانه‌ای پرداخته‌ایم. سپس مداخله کیفری، با توجه به مبانی شاخص جرم‌انگاری و کیفرگزینی در رویه قضائی را در حوزه جرایم علیه حیثیت معنوی خانواده را مدنظر قرار داده و در پایان به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته‌ایم.

شوهر او تحت فشار این واقعه همسر خود را به قتل می‌رساند.

۱- مفاهیم

۱-۱- خانواده

در کشور ما اگرچه تعاریف بسیاری از خانواده شده است؛ اما تعریف حقوقی واضحی از نهاد خانواده ارائه نشده است و تنها برخی از حقوق‌دانان به این تعریف اکتفا کرده‌اند: «خانواده یک واحد حقوقی است که لااقل از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده است ناشی می‌شود». براین اساس، وجود زن و مرد در ابتدا شرط خانواده است؛ ولی شرط بقای آن نیست؛ مانند خانواده‌های که از یک مادر و یک فرزند تشکیل شده و پدر خانواده فوت کرده باشد (حائری‌زاده رحیمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶).

قانون‌گذار ایران، هیچگاه از خانواده تعریفی ارائه ننموده و حدود و ثغور خانواده را مشخص نکرده است؛ بلکه همواره سعی در حمایت از خانواده داشته و بر این مهم اهتمام ورزیده است. به‌طوری‌که قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۱۴ در باب اشخاص، بدون ارائه تعریفی از خانواده، به روابط حقوقی بین زوجین، فرزندان و اقارب پرداخته است. قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز هیچ‌گونه تعریفی از خانواده ارائه نکرده‌اند. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بدون تعیین حدود و ثغوری برای خانواده، خانواده را به‌عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرده است. ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده، صرفاً دائمی بودن نکاح را به عنوان مبنای تشکیل خانواده و ملاک حمایت قانونی از آن تعیین کرده است؛ بنابراین از آنجاکه تعریفی جامع و مانع از خانواده در حقوق موضوعه ارائه نشده است، این نوشتار بیشتر بر ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده شکل گرفته است (حائری‌زاده رحیمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷).

۱-۲- جرایم سایبری

واژه سایبر از نظر لغوی به‌معنای مجازی و غیرملموس و مترادف لغت «Cybernetes» است. سایبر از لغت یونانی Virtual انگلیسی معادل مفهوم سکاندار یا راهنما مشتق شده

است (شهرآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲). واژه فضای سایبر^۱ نخستین بار توسط ویلیام گیbson^۲ در سال ۱۹۸۴ در رمان تخیلی او با عنوان نورومنسر (به معنی ساحر و غیبگو) استفاده شد. وی در این دنیا فضایی را به تصویر می‌کشد که تمام ماشین‌ها و انسان‌ها به یکدیگر متصل شده و در ارتباط هستند (فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۲۵). حال با وجود گذشت چندین دهه از ورود فضای سایبر به زندگی بشر و تهدیدهای فراوان ناشی از سوءاستفاده از این فضا، هنوز اجماعی بر ارائه تعریف یکسانی از جرایم سایبری وجود ندارد. اما برخی جرم سایبری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «هر رفتاری که بر ضد رایانه یا اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) با استفاده از شبکه‌های ارتباط از راه دور ارتکاب یابد که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم سایبری محسوب می‌شود» (کوره‌پز، ۱۳۹۳، ص. ۳۳). مطابق این تعریف، رایانه در جرایم سایبری هم می‌تواند هدف ارتکاب جرم باشد هم ابزار ارتکاب جرم.

۲- گونه‌شناسی پاسخ‌های موجود در قوانین جرایم رایانه‌ای

۲-۱. افشای اسرار خانوادگی

مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات رایانه‌ای «هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به‌نحوی‌که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». براین‌اساس هتک حیثیت افراد وارد شدن ضرر به آن‌ها از نظر عرف، شرط جرم‌انگاری در ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای است. در صورتی‌که از ارتکاب عمل و فعل مادی توضیح داده شده در ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای، ضرر و زیانی به شاکی وارد نشود و یا به‌نظر عرف هتک حیثیتی انجام نشده باشد، این عمل جرم نیست. همچنین از آنجایی که این ماده به صراحت بیان می‌دارد «به‌نحوی‌که منجر به

1. Cyberspace

2. William Gibson

ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود»، می‌توان گفت تأکید قانون‌گذار بر فرد بزه‌دیده است. در صورتی‌که اگر در این رهگذر خانواده‌ای دچار آسیب شود و فرجام ناخوشایند حاصل از این عمل مجرمانه گریبان آن را بگیرد، سکوت قانونی داریم. درحالی‌که با استناد به قاعده تسبیب شخص مجرم چه با غرض و قصد قبلی و چه بدون قصد قبلی، عاملیت این فعل یعنی تباهی خانواده را داشته باید مسئولیت کیفری عمل خود در کلیه خسارات مادی و معنوی به خانواده را بپذیرد (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲). علاوه‌براین عدالت اقتضا می‌کند که مکافات و سزای عمل متناسب با خود عمل باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۰)، امری که به نظر در این ماده قانونی مورد توجه قرار نگرفته است.

۲-۲- هرزه‌نگاری

ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای بیان می‌دارد: «هرکس به‌وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد». با وجود ابراز قانون و تقسیم‌بندی مناسب صورت‌گرفته برای تعداد در جریان قرارگرفتنگان پیام‌های مستهجن (کمتر از ده نفر و بالای ده نفر) ولی لطمه دیدن خانواده به‌عنوان محور جامعه (طبق اصل دهم قانون اساسی) توجهی نشده است و بحثی به‌میان نیامده است. درحالی‌که لازم است با توجه به رکن خانواده جهت جلوگیری از تزلزل ستون خانواده بازدارندگی‌های قانونی اندیشیده شود. همچنین بر اساس اصل تناسب جرم و مجازات تاوان ازهم‌گسیختگی خانواده که خود مقدمه اضمحلال جامعه می‌باشد هیچ‌گونه تناسبی با مجازات پیش‌بینی‌شده در این قانون وجود ندارد؛ زیرا مجازات متناسب با جرم، مجازاتی است که به‌تصریح درجات عدم تأیید اجتماعی رفتار مجرمانه پرداخته و مقدار قبح عمل را به‌زعم جامعه معلوم سازد (گرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۳). سزادهی در طول تاریخ با خوانش‌های مختلفی بیان شده است؛ توجیهاتی

مثل جبران دین، الغای جرم، تهذیب مجرم، اصلاح امتیاز ناعادلانه، ارضاء احساسات و ... اگر مجازات را عاملی برای جبران و ادای دین مجرم به جامعه بدانیم، از آنجاکه جرم شدیدتر بدهی سنگین‌تری ایجاد می‌کند پس جبران آن نیز باید به همان نسبت سنگین‌تر باشد؛ چنانچه مجازات کردن مجرم را باعث الغاء و محو جرم بدانیم، بدهی است مقدار آسیبی که برای الغای جرم وارد می‌شود باید متناسب با مقدار آسیبی باشد که از جرم حاصل آمده تا بتواند آن را محو کند. همچنین در راستای توجیه مجازات مبتنی بر تهذیب معنوی مجرم، می‌توان گفت اگر مجازات راهی برای فلاح و رستگاری مجرم است، مقدار مجازاتی که برای تطهیر معنوی و روحانی مجرم لازم است باید متناسب با اثر سوئی باشد که جرم بر روحیه مجرم بر جای گذاشته است؛ در صورتی‌که با مبنای فایده‌گرایانه، مجازات متناسب، مجازاتی است که بتواند مجرم را از ارتکاب جرم باز دارد، او را ناتوان سازد یا اصلاح کند (کرگین، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۴).

۳-۲- نشر اکاذیب رایانه‌ای

در قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، نشر اکاذیب رایانه‌ای و هتک حیثیت افراد از این طریق پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۱۸ قانون مذکور «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل‌قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به‌طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به‌نحوی از انحاء، ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان) به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». همچنین مطابق ماده ۱۶ این قانون «هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به‌نحوی‌که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال

تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». تبصره این ماده نیز بیان می‌دارد چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد. همان‌طور که درخصوص مواد قبل بیان شد، در این دو مقرر قانونی هم به آثار و پیامدهای این نوع جرایم که ممکن است آسیب‌ها و خسارات زیادی را به نهاد خانواده وارد کند، توجهی نشده است. از این جهت نیاز است که دستگاه قانون‌گذاری در راستای حمایت از خانواده و کیان آن با توجه به مبانی که در جرم‌انگاری مطرح است به وضع قوانینی که از خانواده در برخورد با این‌گونه جرایم پاسداری کنند، اقدام کند. همچنین دستگاه قضائی نیز با استفاده از ابزار کیفرگزینی به برخوردی متناسب و مناسب به این‌گونه جرایم بپردازد. ازاین‌رو، در ادامه به بررسی این مبانی و امکان به‌کارگیری آنان، در برخورد با جرایم علیه حیثیت معنوی خانواده می‌پردازیم.

۳- مداخله کیفری در پرتو مبانی شاخص جرم‌انگاری و کیفرگزینی در رویه قضائی در حوزه جرایم سایبری علیه خانواده و کیان آن

۳-۱- مداخله کیفری

مداخله در لغت به معنی «داخل شدن در امری یا در کار کسی» آمده است. با قرار گرفتن این واژه در کنار کیفر، می‌توان گفت مداخله کیفری، دخالت بر برخی امور با ضمانت اجرای کیفری می‌باشد. در اصطلاح حقوق کیفری، مداخله کیفری به معنی بازداشتن قهری افراد جامعه از آنچه دوست دارند انجام دهند و وادار کردن قهری آن‌ها به انجام آنچه دوست ندارند است. استفاده از کیفر در این نوع از مداخله موجب شده است تا مداخله کیفری در مقایسه با سایر مداخله‌های دولتی، پیامدهای شدیدتری داشته باشد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۸). این مداخله کیفری که منجر به خارج کردن یک رفتار از حیطه انتخاب افراد و محدود کردن آزادی آن‌ها از طریق جرم‌انگاری می‌گردد، نیازمند رعایت اصول پذیرفته شده برای محدود کردن آزادی افراد است. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، دولت رفتاری را ممنوع یا انجام آن را ضروری می‌سازد و در قبال نقض آن به واکنش‌های کیفری و در رأس آن‌ها به مجازات متوسل می‌شود. جرم‌انگاری شدیدترین

مداخله در قلمرو آزادی‌های شخصی محسوب می‌شود و متضمن محدودیت‌ها، گرفتاری‌ها و هزینه‌هایی بیش از سایر مداخله‌های حکومتی است (مقدسسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۹). حال یک نظام کیفری اگر بدون چارچوب مقبول و تنها براساس تمایل، به مداخله کیفری اقدام کند با انتقادهای فراوانی روبرو خواهد شد. از این رو قانون‌گذاران، مداخلات کیفری را در چارچوب مبانی جرم‌انگاری توجیه می‌کنند. نظام‌های مختلف حقوقی از اصول جرم‌انگاری واحدی پیروی نمی‌کنند، اما تحلیل قوانین کیفری که متأثر از فلسفه‌های سیاسی و حقوقی است، نشان می‌دهد که قانون‌گذاران بر پایه اصول چهارگانه آسیب^۱، پدرسالاری قانونی^۲، اخلاق‌گرایی قانونی^۳ و کمال‌گرایی^۴ جرم‌انگاری می‌کنند (قماش، ص. ۳۹)؛ بنابراین با توجه به اینکه کاهش و حذف رفتارهای تهدیدکننده خانواده نیازمند حمایت شایسته و کافی از رهگذر جرم‌انگاری است، این اصول را مورد توجه قرار داده و به امکان مداخله کیفری در حوزه جرائم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده می‌پردازیم.

۱-۱-۳- اصل آسیب

بی‌شک اصل آسیب یا زیان را می‌توان بانفوذترین اصل در الگوی جرم‌انگاری لیبرالیسم دانست که در تبیین و توجیه مداخله دولت در حریم آزادی‌های شهروندان به‌منزله مهم‌ترین معیار تحدید آزادی آن‌ها به‌شمار می‌آید. اصل مزبور با وجود رویارویی با چالش‌های فراوانی که توسط سایر اصول جرم‌انگاری تاکنون مطرح شده است، تا به امروز پویاتر از سایر اصول جرم‌انگاری به حیات خود ادامه داده است (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ص. ۵۷). این اصل با تکیه بر عقاید فردگرایانه بر این باور است که اعمال انسان تحدیدپذیر نیست و هیچ فردی را نمی‌توان به‌علت رفتاری که انجام می‌دهد سرزنش کرد، مشروط بر اینکه آن رفتار به منافع دیگران زیان نرساند. به عبارت دیگر، تنها دلیل موجه برای مداخله در آزادی‌های شهروندان و توسل به قوای قهریه در قبال اعمال افراد آن است که چنین رفتارهایی اسباب آسیب و ضرر به دیگران را فراهم آورد (مقدسسی و یزدانی، ۱۳۹۷،

1. The Principal of Harm
2. Legal Paternalism
3. Legal Morality
4. Perfectionism

ص. ۱۵۵). از این رو، آنچه از اصل زیان توسط قانون‌گذار جهت جرم‌انگاری در حوزه جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده قابلیت بهره‌برداری دارد، این است که امکان جرم‌انگاری رفتارهایی را که به‌طور خاص به حیثیت معنوی خانواده آسیب وارد می‌کنند، فراهم می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت از آنجایی که مهم‌ترین مسئله در برخورد با این‌گونه جرایم علیه خانواده وجود دارد، زیان و خسارتی است که به حیثیت معنوی و کیان خانواده وارد می‌شود، از این جهت اصل آسیب، زمینه جرم‌انگاری رفتارهای علیه حیثیت معنوی خانواده در فضای سایبر را بیشتر و بهتر از سایر حوزه‌ها فراهم می‌کند.

۳-۱-۲- پدرسالاری قانونی

از دیگر اصول تجویزکننده تحدید آزادی افراد در الگوی جرم‌انگاری لیبرالیسم، پدرسالاری^۱ است. پدرسالاری از کلمه لاتین (پدر یا پدر روحانی)^۲ به معنای مثل یک پدر رفتار کردن است؛ بنابراین پدرسالاری عمل کردن به خیر و صلاح دیگران، بدون رضایت ایشان است، آن‌گونه که پدر برای فرزند خویش می‌کند (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۶۸). پدرسالاری در معنای مصطلح سیاسی را می‌توان جلوگیری حکومت از آسیب رساندن افراد به خود، دانست. در این مفهوم دولت می‌تواند به‌منزله پدر جامعه، مردم را نه تنها از انجام اموری که زیان‌بار به حال دیگران است به اجبار منع کند، بلکه این رفتار اگر به ضرر خود فرد نیز باشد از انجامش بازداشته می‌شود (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۶۹). از این رو می‌توان گفت که دولت برای جلوگیری از ضرر رساندن افراد به خودشان، به یک رفتار وصف مجرمانه داده و مردم را در برابر خودشان مورد حمایت و حفاظت قرار می‌دهد و از این طریق نمی‌گذارد افراد با انتخاب‌هایشان به خود آسیب برسانند. در چنین مواردی، دولت با تکیه بر نگرش پدرسالارانه می‌تواند رفتارهایی را مجازات کند که در محدوده فردیت قرار دارد، هرچند آسیبی به دیگران نمی‌رساند. تدقیق در مطالب تبیین‌کننده مفهوم اصل پدرسالاری و تکلیف دولت به حمایت از خانواده و اعضای آن در باب لطامات وارد شده به خویش از جانب خودشان، امکان دخالت هرچه

1. Paternalists
2. pater

بیشتر دولت در حوزه خانواده با دغدغه حمایت و کاهش لطمات وارده را نتیجه می‌دهد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۱). کاربرد این اصل را شاید بتوان صرفاً در مواردی همچون عدم ثبت نکاح یا ازدواج بدون اذن پدر مشاهده کرد؛ اما در مورد جرایم سایبری که علیه حیثیت معنوی اتفاق می‌افتند این اصل در راستای جرم‌انگاری رفتارهای مورد بحث کاربردی نخواهد داشت. هرچند در مورد ممنوعیت هرزه‌نگاری، می‌توان مطابق پدرسالاری اخلاقی که یکی از انواع پدرسالاری‌ها می‌باشد و افراد را از آسیب رساندن به اخلاق خودشان باز می‌دارد، جرم‌انگاری این عمل را توجیه کرد (یزدیان جعفری و خیرمند، ۱۳۹۴، ص. ۷۱)، اما در مورد سایر جرایم این حوزه فاقد کاربرد می‌باشد.

۳-۱-۳. اخلاق‌گرایی

بر اساس این اصل، صرف غیراخلاقی بودن عمل و ایجاد صدمه در آرامش عمومی، در نقض قواعد اخلاقی و عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند مبنای دخالت کیفری باشد (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲). این اصل منافع جامعه را بر منافع فردی برتری می‌دهد و در موارد ضروری قائل به نادیده گرفتن حقوق و آزادی فردی در برابر جامعه می‌باشد. از نظر این دیدگاه، رعایت اخلاق، الزامی است و اگر کسی اخلاق اجتماعی را رعایت نکند، باید آن‌را بر او تحمیل کرد و حتی می‌توان قانون و درپی آن کیفر را وسیله الزام قرار داد. درواقع این همان اخلاق‌گرایی قانونی است که حمایت از اخلاق را هدف قرار می‌دهد و امکان بهره‌گیری از کیفر را برای حفظ ارزش‌های جامعه و مجازات کردن اعمال ناقض اخلاق اجتماعی تجویز می‌کند (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۳).

پاتریک دولین^۱ یکی از نظریه‌پردازان و حقوق‌دانانی است که اخلاق‌گرایی قانونی را مورد تبیین قرار داده است، وی در سال ۱۹۵۸ به این تفکر لیبرالیستی که «یک حریم خصوصی و اخلاقی و غیراخلاقی وجود دارد که مربوط به قانون نیست» انتقاد گرفت و آن‌را رد کرد. به عقیده وی «هیچ محدودیت نظری برای حقوق علیه امور اخلاقی وجود ندارد» (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲). هدف اصلی دولین از مطرح نمودن اخلاق‌گرایی قانونی،

1. Patrick Delvin

استدلال او بر حق همیشگی جامعه در وضع حکم اخلاقی برای شهروندان و حق استفاده از حقوق کیفری برای اجرای این حکم بود (خوئینی؛ افراسیابی و مجتهدسلیمانی، ۱۳۹۷، ص. ۲). براین اساس می‌توان گفت مطابق این اصل، جامعه قابلیت این را دارد که در مورد هر یک از فعالیت‌های عمومی یا خصوصی شهروندان داوری کند. در نتیجه، رفتارهای ارتكابی مورد بحث که علیه حیثیت معنوی خانواده صورت می‌گیرند را از این منظر که می‌توانند نقض‌کننده ارزش‌های اخلاقی جامعه باشند مورد جرم‌انگاری قرار داد؛ چراکه از جمله مواردی که با پشتوانه اخلاق‌گرایی حمایت از خویش را توجیه می‌کند، حمایت از صیانت خانواده را نیز شامل می‌شود. زیرا خانواده نقش اساسی در شکل‌دهی ارزش‌های اجتماعی داشته و خانواده نیز محیطی است که در آن آموزه‌های اخلاقی اهمیت فراوانی دارند.

۳-۱-۴- کمال‌گرایی قانونی

جمع‌گرایان که به گسترش محدودیت آزادی افراد معتقد هستند، افزایش گستره جرم‌انگاری به جهت اخلاق‌گرایی را برای رسیدن به جامعه مطلوب کافی ندانسته و با اعمال محدودیت بیش‌ازپیش بر آزادی افراد، رفتارهایی که مانع انسان برای کسب فضیلت می‌شوند را نیز قابل جرم‌انگاری می‌دانند. از نظر طرفداران جماعت‌گرایی دولت پدر شهروندان است و باید نقش اخلاقی خود را همانند یک پدر دلسوز ایفا کرده و ضوابط اخلاقی را برای آن‌ها به تصویر بکشد. آنان مخالف بی‌تفاوتی دولت در برابر گزینش‌های ضداخلاقی شهروندان هستند و بر این باورند که دولت وظیفه دارد برای پاسداری از سنت‌های جامعه علاوه بر واداشتن افراد به پایبندی به ارزش‌های جمعی که همان اخلاق‌گرایی قانونی است، باید آنان را به انجام اعمالی که موجب خیر و صلاح و فضیلت‌شان می‌شود را نیز اجبار کرد. این اجبار به کسب فضیلت همان معنای کمال‌گرایی را تشکیل می‌دهد و هرگاه دولت برای تحقق چنین مطلوبی از کیفر و جرم‌انگاری استفاده کند، معنای کمال‌گرایی قانونی شکل می‌گیرد (مقدسی و یزدانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۶). با توجه به تعریف بیان‌شده، هرچند که امکان استفاده از این اصل در مورد جرم‌انگاری رفتارهای درون خانواده علیه دیگر اعضا وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد این اصل معیار مناسبی برای جرم‌انگاری رفتارهایی که در فضای سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده واقع می‌شوند، نمی‌باشد.

۳-۲- کیفرگزینی در رویه قضائی

کیفرگزینی مهم‌ترین و شاخص‌ترین قسمت رویه قضائی در مواجهه با پدیده‌های مجرمانه است. درواقع رویه قضائی در امور کیفری بیشتر از هر چیزی پیرو کیفرگزینی است. دلیل این امر این است که قانون‌گذار در راستای واقعی و فردی کردن پرونده‌های کیفری، اختیارات متعددی به قضات می‌دهد تا لزوماً به دنبال کیفر قانونی نباشند و با توجه به این اختیارات، کیفری را تعیین کنند که نه تنها به اهداف حقوق کیفری توجه داشته باشد، بلکه متناسب با جرم ارتكابی و البته مرتکب آن باشد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹). کیفرگزینی در مواجهه با جرائم سایبری در پرتوی سه رویکرد قابل توجه است. رویکرد اول بر مبنای مجرم‌محوری به رویکرد سهل‌گیرانه می‌پردازد که بر مبنای سه عامل عمومیت‌گرایی، فردمحوری و فرعیت استدلال می‌کند. در این رویکرد، قاضی پرونده در رویارویی با جرائم سایبری اصولاً نگاهی تعدیل‌مدار و تخفیف‌یافته به تعیین کیفر دارد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۴۰). در رویکرد دوم بر مبنای جرم‌محوری به رویکرد سخت‌گیرانه پرداخته می‌شود که بر پایه سه عامل رفتارگرایی، پیامدگرایی و بازدارندگی استوار است. در این رویکرد قاضی در مقام تعیین کیفر بیش از ویژگی‌های مجرم، بر نوع و شدت جرم ارتكابی توجه کرده و بر همین مبنای، کیفر تعیین می‌کند (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸، ص. ۶۰). ازاین‌رو، اصل اولیه و قدیمی تناسب جرم و مجازات، مبنای عملکرد این رویکرد است. در رویکرد سوم براساس یک رویکرد فنی و بستمحور به رویکرد افتراقی پرداخته می‌شود که بر پایه سه معیار بستمحور، موضوع‌محور و چندگانگی عاملیت در جرم استوار است و به قاضی این امکان را می‌دهد که بر اساس یک منظر افتراقی و نه رویکردی سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه در مواجهه با جرائم سایبری بپردازد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹). با توجه به مواردی که در صفحات قبل بیان شد به این نتیجه رهنمون شدیم جرائم سایبری که علیه حیثیت معنوی خانواده ارتكاب می‌یابند از شدت و آسیب‌های فراوانی برخوردار هستند. ازاین‌جهت در ادامه به رویکرد دوم یا همان رویکرد جرم‌محور خواهیم پرداخت تا امکان این نوع از کیفرگزینی در این‌گونه جرائم را بررسی نماییم.

۳-۲-۱- رویکرد سخت‌گیرانه در کیفرگزینی

رویکرد سخت‌گیرانه به جرایم سایبری، قرائت غالب در اکثر نظام‌های حقوقی کشورها و ازجمله ایران است. این‌گونه جرایم خطرناک تلقی می‌شوند، چون رفتار آن‌ها در همان حال که به راحتی محقق می‌شوند، نتایج و آثار گسترده‌ای به همراه دارند که سبب زیان‌های گسترده می‌شوند. از این جهت قاضی باید برای مجرمان سایبری، نگاه منفی و سخت‌گیرانه‌ای داشته باشد؛ بنابراین بر مبنای سه نگاه زیر، رویکرد سخت‌گیرانه توجیه می‌شود.

۱. رفتارگرایی: رفتار این‌گونه جرایم با زمان اندک و با سرعت ولی در مکان‌های گسترده‌ای روی می‌دهد. چنین موقعیتی، رفتار جرم سایبری را شبیه یک بیماری مسری می‌کند که در زمان کوتاه در مکان‌های زیادی گسترش پیدا می‌کند. علاوه بر این انجام‌دهنده این رفتار ناشناخته است و شناسایی این افراد امری پرهزینه و پیچیده است (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). در نتیجه به هر اندازه که رفتار جرم آسان‌تر و سریع‌تر محقق شود، به همان اندازه نیز باید در تعیین کیفر سخت‌گیری شود.

۲. پیامدگرایی: آثار و پیامدهای جرایم سایبری از رفتار این جرایم مهم‌تر است. چراکه همراه با تهدیدهای عدیده بر ضد حریم خصوصی و حیثیت یا شهرت اشخاص حقیقی و حقوقی است که جز رویکرد سخت‌گیرانه در کیفر را اقتضا نمی‌کند. درحقیقت اگر رفتارگرایی بیشتر به عملکرد بزه‌کار نظر دارد، پیامدگرایی بیشتر به لحاظ موقعیت بزه‌دیده توجه دارد (توحیدی‌نافع و امیرلی، ۱۳۹۵، ص ۴۹). بر این اساس آنچه از حقوق حمایتی بزه‌دیده و همچنین اصول تضمین حقوق بزه‌دیده در مرحله فرایند صدور حکم حاصل می‌شود شامل مستدل بودن حکم، تسریع در صدور حکم، صدور حکم ضرر و زیان در ضمن حکم کیفری تقاضای اعسار و معافیت موقت از پرداخت هزینه دادرسی در شکایت کیفری و در دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم، تشدید حکم مجازات بدوی در مرحله تجدیدنظرخواهی می‌باشد.

۳. بازدارندگی: کیفر برای جرایم سایبری به همان اندازه که می‌تواند مبتنی به سزاگرایی باشد می‌تواند از منظر بازدارندگی توجیه شود. به ویژه بازدارندگی برای جرایم سایبری که به مراتب بیشتر از جرایم دیگر قابل توجه است چرا که فرض اساسی این

نظریه این است که موجود انسانی، عاقل و اندیشمند است و در نتیجه به بررسی هزینه و فایده اعمال و اقدامات خود می‌پردازد (غلامی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷). از این جهت چنانچه افرادی که از درونی بودن و مخفیانه بودن این محیط برای ارتکاب جرم انگیزه می‌گیرند، با توجه به پیامدهایی که ارتکاب این دست از اعمال در فضای سایبری برای آن‌ها خواهد داشت، دست از ارتکاب این‌گونه جرایم می‌کشند. در نتیجه محکوم نمودن این افراد به حداکثر مجازات از این منظر قابل توجیه به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی در مسئله مطرح شده، نشان داد که در حوزه اجتماعی نتایج بسیار روشنی از تأثیر فضای سایبری بر خانواده چه از جنبه ارتباطات درونی و چه از نظر خطرات بیرونی وجود دارد؛ اما از نظر قانونی آنچنان که می‌بایست اقدامات لازم برای حفظ کیان خانواده و مدیریت فرصت‌ها و تهدیدات این نهاد مبنایی در فضای سایبری علی‌رغم محوریت این نهاد در اصل دهم قانون اساسی و تأکید بر حفظ این نهاد اجتماعی انجام نگرفته است. البته این بدان معنا نیست که هیچ‌گونه قانونی در این زمینه وضع نشده باشد. چنان‌که در قوانین جرایم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ به این مهم پرداخته شده است؛ اما آنچه به عنوان نقد به این قانون به صورت کلی وارد است این است که کیان خانواده به عنوان یک عنصر محوری لحاظ نشده است. در حالی که بنا به قاعده تناسب جرم و مجازات و اصل تسبیب باید مجرم تاوان ضرر به خانواده و ارکان آن را نیز بدهد؛ اما با توجه به قوانین موجود اگر محتوای مجرمانه‌ای علیه حیثیت معنوی در فضای سایبری منتشر شود و در این راستا خانواده‌ای دچار آسیب شود امکان اعاده حیثیت و جبران خسارت معنوی که به خانواده وارد شده، به طور کامل وجود ندارد و مجازات‌های موجود در قانون با پیامدهای این‌گونه جرایم تناسب ندارد. در نتیجه با توجه به جایگاه خانواده در اجتماع و حساسیت موجود نسبت به این نهاد، این ضرورت احساس می‌شود که به منظور جلوگیری آسیب‌های وارده به خانواده در فضای سایبری و مجازات‌های نامتناسب با ویژگی‌های آثار این جرایم علیه خانواده، شخصیت حقوقی مستقلی را برای

خانواده در نظر گرفت. تا از این طریق از ضمانت اجراهای متناسب بهره جست و صدمات وارده بر کیان و اعضای خانواده به حداقل رساند. در این راستا بررسی مبانی جرم‌انگاری ما را با این نتیجه می‌رساند که امکان مداخله کیفری در حوزه جرایم سایبری علیه حیثیت معنوی خانواده، از رهگذر مبانی چهارگانه وجود دارد. اصل آسیب و پدرسالاری قانونی، که فردگرایان آزادی طلب حامی آن هستند، با محور قرار دادن بازدارندگی از ایراد آسیب به دیگران و خود، نقش فعالی را برای دولت در جهت حمایت از خانواده در این راستا، قائل هستند. همچنین اخلاق‌گرایان و کمال‌گرایان نیز با گسترش اختیار دولت در تحدید رفتارهای خلاف اخلاق و فضیلت‌سوز افراد، موجب پررنگ‌تر شدن این نقش شده‌اند. شایسته است که قانون‌گذار ایرانی با تمسک به این اصول و مبانی، اقدام به روزآمد و کارآمد کردن قانون «جرایم رایانه‌ای» کرده و با تشدید مجازات این جرایم که علیه حیثیت معنوی خانواده صورت می‌گیرند، هزینه ارتکاب جرم را برای علاقه‌مندان احتمالی به این بزه را بیشتر از فایده آن کنند. در پایان می‌توان از طریق رویه‌ی قضائی با کمک معیارهای معقول و پذیرفته شده، بین جرایم و مجازات‌ها دسته‌بندی‌هایی را به‌لحاظ شدت و ضعف ترتیب داد و سپس بین آن‌ها ارتباط برقرار نمود و از این طریق به تعیین حداکثر مجازات قانونی برای رفتار ارتكابی رهنمون شد.

منابع

- توحیدی‌نافع، جلال و امیرلی، حسین (۱۳۹۵)، *بایسته‌های کیفرگزینی در رویارویی با جرایم سایبری با تأکید بر رویه قضائی، مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۲، شماره ۱۰۱، صص ۶۰-۳۷.
- حائری‌زاده رحیمی، محمدرضا (۱۳۹۷)، *سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم مربوط به کیان خانواده از منظر فقه امامیه و اسناد بین‌المللی*. دانشگاه فردوسی مشهد.
- خوئینی، غفور؛ افراسیابی، صابر و مجتهدسلیمانی، ابوالحسن (۱۳۹۷)، *مبانی اخلاقی و قانونی جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران، فصلنامه اخلاق در علوم فناوری*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۶-۱.
- شهرآبادی، مرجان (۱۳۹۹)، *سیاست جنایی ایران در خصوص جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص در فضای مجازی با تأکید بر رویه قضائی*. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود.
- غلامی، حسین (۱۳۹۹)، *کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)*، تهران: میزان.
- فرهادی‌آلاشتی، زهرا (۱۳۹۵)، *پیشگیری وضعی از جرایم سایبری/ راهکارها و چالش‌ها*، تهران: میزان.
- قماش، سعید (۱۳۹۱)، *کرامت انسانی مانع گسترش جرم‌انگاری، فصلنامه حقوق کیفری*، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۸.
- کوره‌پز، حسین محمد (۱۳۹۳)، *نیمرخ جنایی بزهکاران سایبری*، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- گرگین، بتول (۱۳۹۷)، *جرایم علیه حقوق خانواده در فضای مجازی*، دانشگاه تهران، پردیس البرز.
- محسنی، فرید، رحیمیان، رضا (۱۳۹۸)، *از کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضایی مدل‌ها و معیارها (با تأکید بر رویه قضائی ایران)*، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۳، شماره ۱۰۷، صص ۷۸-۵۷.

- محمودی‌جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز(۱۳۹۲)، توجیه مداخله کیفری، اصول و ضرورت‌ها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۶-۳۵.
- مقدسی، محمدباقر و یزدانی، جواد(۱۳۹۷)، مداخله کیفری در حوزه حقوق خانواده در پرتوی مبانی شاخص جرم‌انگاری، نشریه فقه و حقوق(ندای صادق)، دوره ۲۳، شماره ۶۹، صص ۱۷۲-۱۴۵.
- یزدیان جعفری، جعفر(۱۳۸۷)، اصل تناسب جرم و مجازات، چرایی و چگونگی آن، مجله نامه حقوقی، سال ۱۴، شماره ۱۴، صص ۱۵۶-۱۳۹.
- یزدیان جعفری، جعفر و خیرمند، الهه(۱۳۹۴)، پدرسالاری کیفری: مفهوم، انواع، مشروعیت و مصادیق آن در حقوق کیفری، حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۶۷-۱۰۶.